



دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
مرکز بجنورد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

سیمای زن در رمان های اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی

نگارنده :

مریم معاون هاشمی

استاد راهنما:

دکتر محمد ریحانی

استاد مشاور:

دکتر جلیل مسعودی فرد

شهریور ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

این نوشته‌های ناچیز را با تمام وجود

تقدیم می‌کنم به

مادر مهربانم که هر چه دارم از برکت وجود اوست

همچنین پیشگامی است به جامعه‌ی زنان

با این امید که این پژوهش سرآغازی باشد برای آسیب‌شناختی و رفع معضلات اجتماعی دختران و زنان ایرانی.

سپاس‌گزاری:

سنگر گزار پروردگاری، بسم که باری دیگر توفیق داد دانش‌یاموزم و دشواری‌های بسیار این راه را برابیم هموار کرد.
خالصانه‌ترین سپاسم را تقدیم می‌کنم به مادر عزیزم، شیرزنی که به تنهایی سال‌ها سرگردانی‌های مراتب آورد و دم بر نیاورد.
سپاس‌گزاری می‌کنم از استادان ارجمندم در دانشگاه پیام نور بخورد. استاد راهنمای دلسوز و مهربانم جناب آقای دکتر محمد ریحانی، عزیزمی که به قول
سهراب با تمام افق‌های باز نسبت داشت. به حق که این رساله مرهون اندیشه‌های همیشه ناب و پیوسته‌پویای ایشان است و استاد مشاورم که تقدیرم جناب
آقای دکتر جلیل سعیدی فرد که نکته‌بین است و نکته‌سنج و درخشش‌نخاه‌گرش، هدایت‌گری روشن در تمام مراحل این پژوهش بوده است.
در پایان سپاس‌گزار تمام کسانی، بسم که در این مسیر با اندیشه و قلب خود مرا یاری کرده‌اند.

چکیده:

تبیین جایگاه و نقش زنان به عنوان نیمه ی دیگر بشریت، ابزار مناسبی در جهت بسط و گسترش دانش انسانی به شمار می آید.

بنابراین، بررسی سیمای زن در پنج رمان اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش. به نام های: **تهران مخوف**، **روزگار سیاه**، **اسرار شب**، **شهرناز و نادره**، با بهره گیری از دیگر دانش ها نظیر: روان شناسی، جامعه شناسی، تاریخ و حقوق، به عقیده ی نگارنده، بستر مناسبی برای زایش حقایقی با ارزش فراهم می آورد؛ حقایقی درباره ی مسائل و مشکلات زنان در دوران سلطنت رضاشاه، علل خاموشی و سکوت زنان در این دوران، ساختار خانواده و شخصیت زنان «فاعل / اثر گذار» و زنان «منفعل / اثر پذیر» بخصوص زنان منفعل روسپی و... .

در این پژوهش با بررسی پدیده ی مخرب سلطه، عاملی که نقطه ی عطف تغییراتی نا مطلوب در روند شخصیت زنان منفعل روسپی می شود، حقایق قابل توجهی از زندگی این زنان برای ما آشکار می گردد؛ حقایقی که از طریق ادبیات شاید بتواند بخشی از سنگینی بار زنان را در جامعه کاهش بدهد.

واژگان کلیدی: رمان اجتماعی، خانواده، سلطه، سکوت زنان، زنان اثر گذار و اثر پذیر.

فهرست مطالب :

مقدمه	۱
فصل اول: تعاریف و کلیات	۷
۱- در آمد	۸
۱-۱- رمان	۸
۱-۲-رسالت رمان نویس	۹
۱-۳-رسالت رمان	۱۰
۱-۴- تاریخچه ی رمان	۱۰
۱-۵- انواع رمان	۱۱
۱-۶-رمان اجتماعی	۱۱
۱-۷- مختصری در باره ی پنج رمان اجتماعی مورد نظر	۱۳
۱-۷-۱ تهران مخوف	۱۳
۱-۷-۲ شهرناز	۱۴
۱-۷-۳ روزگار سیاه	۱۵
۱-۷-۴ اسرار شب	۱۶
۱-۷-۵ نادره	۱۷
۱-۸- پیشینه ی سیمای زن در ایران	۱۷
۱-۹- زنان و انقلاب مشروطه	۲۰
۱-۱۰- نمونه ای از فعالیت های زنان در انقلاب مشروطه	۲۰

۲۲	۱-۱۱ - زنان در دوران سلطنت رضا شاه
۲۳	۱-۱۲ - سیمای زن در رمان های اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش
۲۶	فصل دوم: مسایل و مشکلات زنان
۲۷	۲- در آمد
۲۸	۲-۱- عاشق پیشگی
۳۲	۲-۲- روسپی گری
۳۶	۲-۳- خرافه پرستی
۴۰	۲-۴- اطاعت و تسلیم پذیری
۴۴	۲-۵- گرایش های مذهبی
۴۷	۲-۶- تنیدگی یا فشار های روانی
۵۱	فصل سوم: منشأ خاموشی و سکوت زنان.....
۵۲	۳- در آمد
۵۳	۳-۱- مصرف کننده بودن و دوری از فعالیت های اقتصادی.....
۵۸	۳-۲- بی سوادی و فقدان آموزش در زندگی زنان
۶۵	۳-۳- ازدواج تحمیلی
۷۰	۳-۴- فقر
۷۲	۳-۵- تجاوز و آزار جنسی
۷۵	۳-۶- خیانت و پیمان شکنی مردان
۷۷	۳-۷- طلاق
۸۲	فصل چهارم: زنان منفعل و زنان اثر گذار
۸۳	۴- در آمد
۸۳	۴-۱- مفاهیم بنیادی
۸۳	۴-۱-۱- ستم / سرکوب

۸۳	۴-۱-۲-سلطه
84	۴-۱-۳-سلطه گر
۸۴	۴-۱-۴-سلطه پذیر
۸۵	۴-۱-۵-مرد سالاری
۸۵	۴-۱-۶-خانواده
۸۶	۴-۲-سلطه جویی مردان و سلطه پذیری زنان در نهادی به نام خانواده
۸۹	۴-۳-ویژگی های بارز افراد منفعل و سلطه پذیر
۹۰	۴-۴-وضعیت فرزندان خانواده ی تحت سلطه
۹۱	۴-۵-ساختار خانواده ی سنتی در پنج رمان اجتماعی مورد نظر
۹۳	۴-۶-مؤلفه های ارتباط یاری بخش
۹۳	۴-۶-۱-احترام نا مشروط
۹۶	۴-۶-۲-درک و همدلی
۱۰۶	فصل پنجم: بررسی مسایل حقوقی شخصیت های زن در رمان های مورد نظر.....
۱۰۷	۵-درآمد
۱۰۸	۵-۱-حقوق
۱۰۸	۵-۱-۱-حقوق سیاسی
۱۰۹	۵-۱-۲-حقوق عمومی
۱۰۹	۵-۱-۳-حقوق خصوصی
۱۰۹	۵-۲-وضعیت جامعه ی زنان ایران در دوره ی پهلوی اوّل (سلطنت رضا شاه)
۱۱۳	۵-۳-حقوق سیاسی زنان در رمان های مورد نظر
۱۱۳	۵-۳-۱-حق رأی
۱۱۴	۵-۳-۲-حضور زنان در مناصب مدیریت سیاسی جامعه
۱۱۴	۵-۴-حقوق عمومی زنان در رمان های مورد نظر

۱۱۴.....	۵-۴-۱- اشتغال
۱۱۵.....	۵-۴-۲- آموزش
۱۱۵.....	۵-۵- حقوق خصوصی زنان در رمان های مورد نظر
۱۱۶.....	۵-۵-۱- ازدواج
۱۱۷.....	۵-۵-۲- طلاق
۱۱۸.....	۵-۵-۳- ارث
۱۱۹.....	نتیجه
۱۲۳.....	کتابنامه

مقدمه:

از افسانه‌هایی که نزد عموم مردم مقبول و مورد پسند واقع شده این است که جنس زن از همان ابتدای آفرینش به حکم طبیعت پست‌تر از جنس مرد است. وقتی این افسانه به گوش همه می‌رسد، زن از شرم وجود خود پرده‌ها را می‌کشد و در خانه می‌ماند. زمانی که او تبدیل به موجودی خانگی می‌شود از نظر اجتماعی "هیچ کس" یا "جنس دوم" به حساب می‌آید. در این میانه، مردان به محض خالی شدن صحنه‌ی اجتماع از حضور زنان زمام کلیه‌ی امور را به دست می‌گیرند و «جنس برتر» به شمار می‌روند. آن‌ها همراه با تبلیغات پدر سالارانه، از وظیفه‌ی مادری زنان برای توجیه نابرابری زن و مرد در جامعه و جایگاه پایین‌تر زنان بهره می‌گیرند (رید، ۱۳۸۰: ۳۴-۳۵).

این در حالی است که صندوقچه‌ی تاریخ بشر مدارک با ارزشی از قابلیت‌ها و استعداد‌های وجودی زنان را در خود زنده نگه داشته است. در این صندوقچه مدارکی است دال بر اینکه در جوامع بدوی، زنان دوره‌ای در جایگاه رهبری جامعه بوده‌اند. آن‌ها در کنار نقش ویژه‌ی خود که زایش و پرورش کودکان بود، در فعالیت‌های تولیدی و حرکت بشر به سمت پیشرفت و تعالی سهم و نقش عمده‌ای به دست گرفتند. بطور خلاصه «در دوره‌ای که مردان تمام وقت شکارگر و جنگجو بودند، زنان بیشتر ابزارهای پایه‌ای، مهارت‌ها و تکنیک‌ها را در نقطه‌ی آغاز پیشرفت‌های اجتماعی به وجود آوردند. از جمع‌آوری مواد غذایی به باغبانی و سبزی‌کاری و سپس به کشاورزی رسیدند. از میان هنرها و کارهای دستی گوناگون مانند سفالگری، چرم‌سازی، پارچه‌بافی، خانه‌سازی که پیشه‌ی خود ساخته بودند، آنان پایه‌های گیاه‌شناسی، شیمی، داروسازی و سایر شاخه‌های دانش‌های علمی را نیز به وجود آوردند ... از این رو می‌توان گفت که آن‌ها از

نخستین آموزشگران جامعه بودند و میراث فرهنگی و مهارت های خود را به نسل جدید تولید کننده انتقال دادند» (همان: ۳۸). این مدارک گواهی است بر نادرستی افسانه ی فرو دست بودن زنان.

بیان مسأله :

اهمیت شناخت زن به عنوان نیمه ی دیگر بشریت از جمله تلاش هایی است که پاسخ بسیاری از پرسش هایمان را در خصوص هویت انسان ها باخود به همراه دارد و این رسالتی است که ادبیات داستانی در قالب رمان اجتماعی به بهترین نحو ممکن آن را به انجام می رساند.

نویسندگان رمان های اجتماعی در فرایندی پیچیده نطفه ی حقایق را از جامعه ی خود می گیرند. در زهدان اندیشه و نگاهشان آن را هویت و شکل می دهند و پس از سپری کردن لحظاتی سخت و درد بار آن را در بستر رمان به جهانیان عرضه می دارند.

از آنجا که در هر رمان برشی از زندگی حقیقی انسان ها به چشم می خورد و اغلب گوشه هایی از زوایای نا پیدای وجود افراد در قالب هایی نظیر رمان است که آشکار می شود، پس برای شناخت بهتر زنان و دنیای آن ها ، بهتر آن است به سراغ رمان هایی برویم که قهرمانان اصلی آن ها زنان هستند به گونه ای که از میان رمان های اجتماعی که در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. نگاشته شده اند، پنج رمان : **تهران مخوف** ، از مرتضی مشفق کاظمی ، **روزگار سیاه و اسرار شب** از عباس خلیلی ، **شهرناز** نوشته ی میرزا یحیی دولت آبادی و **نادره** نوشته ی جعفر پیشه وری ، بهترین انتخاب ممکن بودند. بنابراین تصمیم گرفتیم که در قالب بررسی رمان سیمایی از زنان را در سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. به تصویر بکشیم . سیمایی که در پس آن ها تصاویر بی شماری از تاریخ ، جامعه ی عصر پهلوی ، خانواده های سنتی ، رؤیاهای عقیم دختران خاموش ، رنج ها ، دردها و نگفته های زنان روسپی همه و همه را منعکس می کند.

در پژوهش حاضر این پرسش ها قابل طرح است .

۱- آیا پنج رمان اجتماعی مورد نظر ما توانسته اند سیمای زنان را در عصر خویش به خوبی بیان کنند؟

۲- در کنار عامل جنسیت زنان این عصر ، چه عواملی در شکل گیری شخصیت زنانه ی آن ها موثر بوده

است؟

اهداف پژوهش :

بنای هر پژوهش بر هدف هایی استوار است که همت و تلاش محقق را در زمینه های خاصی متمرکز می کند . هدف ما، در مطالعه و کسب آگاهی و شناخت بیشتر از پنج رمان اجتماعی **تهران مخوف**، **روزگار سیاه**، **اسرار شب**، **شهرناز و نادره** که همه ی آن ها در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. نوشته شده اند، خلاصه می شود اما در خلال این هدف ، اهداف دیگری را نیز دنبال می کنیم که برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردارند.

۱- مطالعه و شناخت بخشی از تاریخ پر بار کشورمان که مقارن با سلطنت رضاخان پهلوی در ایران است. از جمله مسیر حرکت و جنبش زنان ایرانی در این دوره.

۲- آگاهی از وضعیت و سهم ادبیات در ترسیم چهره ی سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش.

۳- نشان دادن نقش تحولات موجود جامعه در روند شخصیت و سرنوشت افراد آن بخصوص زنان و دختران ایرانی

اهمیت و ضرورت پژوهش :

برای شناخت جامعه ، بی تردید نیازمند شناخت علمی طبقات تشکیل دهنده ی آن هستیم. از آنجا که زنان نیمی از جامعه ی انسانی را شامل می شوند، بنابراین برای جامعیت در امر تدوین قوانینی که بتواند جامعه را به سمت پیشرفت و سعادت بشری سوق بدهد ، بررسی و شناخت نیازها ، مختصات و ویژگی های روحی و جسمی این بخش از جامعه با کمک گرفتن از ابزار هنر، از جمله ضرورت های این امر مهم به شمار می آید.

پیشینه و سابقه ی پژوهش:

خوشبختانه در میان صاحب نظران ، مطالعات چشمگیری در مورد مسایل زنان انجام گرفته است. به عنوان مثال ، دکتر جلال ستاری در کتاب **سیمای زن در فرهنگ ایران**، شرح به نسبت جامعی از وضع زنان ایرانی در دوره های مختلف تاریخ را بیان کرده است . در حیطه ی ادبیات نیز کارشناسان این رشته پژوهش های

برجسته ای در خصوص سیمای زن در آثار مختلف ادبی به انجام رسانده اند به عنوان نمونه، احمد مدیر در رساله ی خود به نام *بررسی سیمای زن در آثار محمود دولت آبادی*، به بررسی و تحلیل شخصیت های زن در مجموعه ی کارنامه سپنج و رمان کلیدر دولت آبادی پرداخته است.

آنچه امروزه به عنوان یک اصل علمی پذیرفته شده این است که هر چه موضوع کوچک تر و دقیق تر باشد، یافته های علمی آن ارزشمند تر و قابل اتکاتر خواهد بود. لذا در این تحقیق صرفاً به بررسی سیمای زن در رمان های یک دوره ی زمانی مشخص (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی) پرداخته شده است.

روش و ابزار تحقیق:

این پژوهش با استفاده از روش گرد آوری اطلاعات کتابخانه ای از حیث ماهیت و روش، توصیفی -تحلیلی است. به این طریق که پس از جستجو و تهیه ی پنج رمان اجتماعی مورد نظر و مطالعه ی دقیق آن ها و نیز بررسی و شناخت ابعاد مختلف پژوهش، مرحله ی فیش برداری از منابع و مآخذ مرتبط با آن، آغاز شد. در این مسیر کتاب هایی نظیر *زنان در داستان*، نوشته ی «نرگس باقری»، *جنس برتر* نوشته ی «سیمون دوبووار»، *می دانم که هستم* نوشته ی «هلن برنر»، با همکاری «لورنس لیتچ» از جمله منابعی هستند که زوایای تاریک و روشن سیمای زنان را با کمک داده های علم روان شناسی، جامعه شناسی و ... به تصویر می کشند. پس بر اساس تحلیل رمان های مورد نظر، مطالب مورد نیاز از این منابع استخراج و با یافته های نگارنده تلفیق شد. سپس در مرحله ی بازخوانی، اصلاح و بازنویسی، تغییراتی در آن اعمال گردید و پس از ویرایش مطالب، پژوهش حاضر تنظیم و آماده شد.

مروری بر فصل های پژوهش:

این رساله در پنج فصل تدوین یافته است:

فصل اول: شامل کلیات و مطالبی در زمینه ی مفهوم رمان، رمان اجتماعی، مختصری در باره ی پنج رمان اجتماعی: *تهران مخوف*، *روزگار سیاه*، *اسرار شب*، *شهرناز و نادره*، پیشینه ی سیمای زن در ایران، وضعیت زنان و فعالیت های آنان در دوران مشروطه و حکومت رضا خان پهلوی و نیز شرح کوتاهی در زمینه ی سیمای زن در پنج رمان اجتماعی مورد نظر است.

فصل دوم: به بررسی مسایل ومقتضیات زنان رمان های یادشده پرداخته ایم. در این فصل مفهوم زنانگی در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. را با پرداختن به مسایل و ویژگی های زنانه ی آن ها شرح دادیم و تحلیل کردیم.

فصل سوم: به دلایل خاموشی و سکوت زنان در رمان های مورد نظر اشاره کردیم و زمینه های مشترکی را در آن ها جستجو کردیم. سپس تأثیر این عوامل از جمله ازدواج های تحمیلی ، دوری از فعالیت های اقتصادی ، محرومیت از موهبت سواد و آموزش و اموری از این قبیل را در این خاموشی زنانه بررسی کردیم. فصل چهارم: ساختار نظام سلطه بر زنان را در خانواده هایشان بررسی کردیم و پیامد های مخرب سلطه را در روند شخصیت و زندگی زنان و دختران رمان ها به تفصیل بیان کردیم و در خلال آن به شناخت ویژگی های شخصیتی زنان فاعل /اثر گذارو منفعل / اثر پذیر دست یافتیم.

فصل پنجم: در این فصل به بررسی حقوق تعریف شده ی زنان ایرانی در جامعه ی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. پرداختیم . برای این منظور ابتدا به وضعیت و جایگاه زنان در دوره ی سلطنت رضا شاه نگاهی کوتاه افکندیم ، بعد از آن در تقسیم بندی انواع حقوق، مسایل حقوقی شخصیت های زن را از درون رمان های مورد نظر استخراج و تحلیل کردیم .

فصل ششم: از این فصل که دست آوردهای پژوهش مان را در آن جای داده ایم ، در این جا مروری به نتایج پژوهش می کنیم.

در تصویری که از نمای کلی زن در رمان های اجتماعی نظیر: **تهران مخوف ، روزگار سیاه ، اسرار شب ، شهرناز و نادره** به چشم می خورد ، شاهد صحنه هایی هستیم که در آن بازیگری از جنس زن در چار چوب رابطه ای به نام «ازدواج» در نقش کارگری بی جیره و مواجب ایفای نقش می کند و به گفته ی سیمون دوبوووار در زندانی به نام خانه ، در حالی که تمام عرصه های کسب و کار مردانه به رویش بسته می ماند و ناتوانی اش در تمامی خطه ها اعلام می شود ، به تکرار زندگی اکتفا می کند ؛ تنها زندگی می بخشد و با بازیچه هایی از پوست و گوشت و استخوان ، بازی می کند و بدین ترتیب ، ظریف ترین و دشوار ترین اقدام ها یعنی تربیت فردی بشری را به انجام می رساند(دوبوووار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۰۱). او هیچ گاه به خود تعلق ندارد و

همواره از آن دیگری است . زیرا هویت و فردیت او در فعالیت های تولیدی و فرآیندهای اجتماعی شکل نگرفته و تعریف نشده است.

زنان رمان های مورد نظر اغلب مجبورند برای گذراندن زندگی خود، وجودشان را در دستان سلطه به گرو بگذارند . در این شرایط آن چنان درون آن ها از خشمی پنهان انباشته می شود که وجودشان را فلج می کند ، توانایی تصمیم گیری و انتخاب را از دست شان می رباید و گاهی آن ها را به پرتگاه نابودی می کشاند. در این میان قوانین حقوقی جامعه ی ایران نیز در نابودی زنان سهم به سزایی دارد. در این سال ها درحالی که زنان غربی پایه پای مردان در فعالیت های سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی کشورشان حضوری فعال دارند ، زنان ایرانی همردیف با کودکان و دیوانگان ، از حق رأی و فعالیت در مدیریت های سیاسی کشور محروم هستند. وضعیت وخیم حقوقی آن ها تا حدی است که حتی حقوق مسلم آن ها در جریان طلاق و یا سهم ارث شان پایمال و نابود می شود در حالی که هیچ نهاد و سازمانی در حکومت رضا شاه وجود ندارد که از زنان ستم دیده حمایت کند. بنابراین زنان بی دفاع مجبورند در تنهایی خود ، برای گذران زندگی شان روانه ی روسپی خانه ها بشوند.

فصل اول

تعاريف و کلیات

۱- درآمد:

برای بیان روشن و دقیق حقایق و مفاهیمی که در درون عنوان «سیمای زن در رمان های اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش.» قرار گرفته، لازم است پله پله همراه با واژه های این عنوان پیش برویم. در مورد هر کدام از این واژه ها تعریفی جامع و مفید ارائه بدهیم تا با روشن شدن فضای پژوهش بتوانیم در همین ابتدای راه ذهن خواننده را با محتوای آن آشنا کنیم. بدین ترتیب قادر خواهیم بود مقصد و منظوری را که در پیش رو داریم به همراه خواننده در بهترین فضا و زمان ممکن به انجام برسانیم. بنابراین ابتدا به تعریف مفهوم «رمان» می پردازیم.

۱-۱-رمان:

در تعریف «رمان» گفته اند: «رمان داستانی طولانی است به نثر. روایتی که از خیال یا آمیزه ای از واقعیت و خیال نشأت گرفته و براساس عادات و حالات آدمی نوشته شده باشد و به نحوی وضع موجود جامعه را چنانکه هست یا چنانکه باید باشد، بیان کند» (رحیمیان، ۱۳۸۰: ۴۲).

«رمان با ترکیب تخیل و واقع گرایی، مدت مدیدی است که ما را به دلایل مختلف مجذوب خود کرده است. گاهی تنها به خاطر اینکه روایت ساده ای است، و گاهی به دلیل اینکه تفسیر پیچیده ای از تجربیات است. گاهی هم تنها به این دلیل که شگردی هنری است و هنوز هم علی رغم رشد تخصص ها و مهارت ها در زمینه ی علوم انسانی، و با وجود اینکه اشکال نوینی از هنر ظهور کرده است، نشانه های اندکی در دست است که رمان از انجام چنین کارهایی باز ایستاده است. به بیان دیگر، این نوع نوشتن تجربی و دست اول هنوز قدرت خود را حفظ کرده است» (سلیمانی، ۱۳۶۹: ۷۸).

سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که : «فرق رمان با قصه» در چیست ؟ « میریام آلوت » در کتاب رمان به روایت رمان نویسان به نقل از «کلارا ریو» چنین پاسخ می دهد: « قصه حکایتی است پهلوانی که به اشخاص و اشیای افسانه ای و ساختگی می پردازد . اما رمان تصویری از زندگی و رفتارهای واقعی است ؛ نیز تصویری از روزگاری که رمان در آن نوشته شده است. قصه با آن زبان فخیم و رفیعش به وصف چیزهایی می پردازد که هرگز رخ نداده اند ؟ حتی امکان رخ دادنشان نیز نیست. رمان گزارشی است آشنا از چیزهایی که هر روز جلوی چشمان ما اتفاق می افتد ؛ چیزهایی از آن قبیل که ممکن است بر سر دوستان ما بیاید ؛ یا بر سر خود ما ؛ و کمال رمان آن است که هر صحنه را به شیوه ای ساده و طبیعی باز نماید و آن همه را چنان محتمل وانمود سازد ، که ما از آن رهگذر اغفال شویم و دست کم در لحظاتی که به خواندن آن سرگرمیم ، بپنداریم هر آنچه در آن هست درست است ، تا آنجا که از شادی و غم قهرمانان رمان چنان متأثر شویم که گویی این هم از آن خودما است » (آلوت ، ۱۳۶۸ : ۴۷-۴۸).

و اما در مورد تفاوت میان «رمان» و «داستان بلند» می گویند : «داستان بلند ، داستانی است که از نظر کمی از داستان کوتاه بلندتر از رمان کوتاهتر است و از نظر کیفی نیز با آنها مطابقت ندارد» (رحیمیان، ۱۳۸۰ : ۴۲).

۱-۲- رسالت رمان نویس :

«آلوت» در بخشی از کتابش در مورد «علت وجودی رمان نویس» به نقل از «فرانسوا موریاک» می نویسد : «اگر تنها یک دلیل برای موجودیت رمان نویس بر این کره ی خاکی وجود دارد ، آن یک دلیل همانا این است که بتواند آن عنصری را در نهاد شریف ترین و والاترین شخصیت ها بازشناسد و باز نماید که در برابر خداوندگار به سرکشی و عقاب بر می خیزد و چنان عنصری بی شک نهانی ترین رذایل است و ناپیداترین ریاکاری ها ؛ نیز آن که رمان نویس بتواند پرده از راز سر چشمه ی قداستی برگیرد که در نهاد مخلوقات نهفته است که به چشم ها گمراه می نمایند» (آلوت ، ۱۳۶۸ : ۲۳۲-۲۳۳).

۱-۳- رسالت رمان:

درباره ی « رسالت رمان»، هرمان بروخ می گوید: «یگانه علت وجودی رمان کشف آن چیزی است که فقط رمان می تواند کشف کند. رمانی که جزء ناشناخته ای از هستی را کشف نکند، غیر اخلاقی است. شناخت یگانه رسالت اخلاقی رمان است» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۴۹).

۱-۴- تاریخچه ی رمان:

از آنجا که به گفته ی «مالکام برادبری» " قدمت در روایت به قدمت زمان می رسد " (سلیمانی، ۱۳۶۹: ۷۷). در مورد تاریخچه ی پیدایش این شکل خاص از روایت گویی باید گفت: «رمان کم و بیش شکل نوینی از ادبیات است که ما اغلب نقطه ی شروع آن را مقارن با «دن کیشوت» «سروانتس» (۱۶۰۵-۱۵) می گیریم، و در هیچ یک از فرهنگ های گذشته ی جهان نیز به آن بر نمی خوریم» (همان: ۲۴-۲۵).

«رمان نویسی به شیوه ی جدید در ادبیات کلاسیک فارسی سابقه ای ندارد و این نوع ادبی، هم - همچون نمایشنامه، نقد ادبی و داستان کوتاه - محصول یک قرن اخیر است... پیش از انقلاب مشروطیت، نویسندگان ما نوشتن «رمان» به مفهوم امروزی، به شیوه اروپایی را از طریق رمان های تاریخی غربی آموختند و نوشتن رمان را آغاز کردند. در اینکه نخستین رمان ایرانی به سبک جدید را چه کسی نوشته بین محققان اختلاف نظر است: برخی برآنند که ستارگان فریب خورده یا حکایت یوسف شاه سراج (۱۲۵۳ ش) نوشته ی میرزا فتحعلی خان آخوندزاده را که میرزا جعفر قراچه داغی از ترکی به فارسی برگردانیده باید نخستین رمان ایرانی دانست و محقق دیگری، رمان حاجی بابای اصفهانی (۱۲۸۴) نوشته ی جیمز موریه ترجمه ی میرزا حبیب اصفهانی را در جایگاه نخستین رمان فارسی می نشاند» (رحیمیان، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۳).

در کتاب « صد سال داستان نویسی در ایران» آغاز داستان نویسی محصول معنوی تفکرات مشروطه خواهانه دانسته شده است. در حقیقت « هر مرحله ی تازه ی تاریخی، شکل های بیانی جدید و مورد نیاز خود را می طلبد. تحت تأثیر انگیزه های تاریخی و اجتماعی، شکل های قدیم - در فرآیندی پیچیده- زیر و زبر می شوند و نمونه های تازه ی ادبی پدید می آیند. با توسعه تدریجی خود آگاهی ملی، مقدمات ضروری پیدایش نخستین داستان های جدید ایرانی تدارک دیده می شود. آفریده شدن رمان فارسی در این دوره،

نشان دهنده ی تغییری پر دامنه در رابطه ی انسان ایرانی و جهان ، و مقام فرد در تاریخ و جامعه است « (همان : ۳۶۲-۳۶۳).

«رمان فارسی در هنگامه ی کوشش های طبقه ی متوسط ایران برای به دست آوردن جایگاه مناسبی در قدرت سیاسی و فرهنگی پدیدار می شود و همپای طبقه ی متوسط رشد می کند . با انقلاب مشروطه ، زمانه ی ورود فرد عادی به عرصه ی رویدادهای اجتماعی و معنا یافتن هستی او ، رمان - که زندگی فرد را در متن ماجراهای اجتماعی مجسم می کند - یکی از مهم ترین گونه های ادبی زمانه می شود « (همان : ۳۶۳).

«از دوره ی مشروطیت تا سال های ۱۳۲۰ ، داستان نویسی و شیوه ی زندگی مسلط به طور کلی نوعی جستجوی امنیت و هویت ملی و شخصی را بازتاب می دهد. در سال های ۱۳۱۰-۲۰ شاهد پیدایی نسلی از نویسندگان هستیم که سنگینی شکست امیدهای انقلاب مشروطه و خفقان رضاخانی را بر دوش می کشند. واکنش این نسل در مقابل شکست ، گریز توأم با تنفر از جامعه است « (همان : ۳۶۴).

۱-۵- انواع رمان :

اگر رمان ها را به لحاظ مایه ، نوع شیوه ی فنی نگارش و یا عمده بودن جنبه ای از آن ها تقسیم بندی کنیم ، حاصلش انواع کلی رمان های زیر می شود .

رمان اجتماعی ، تاریخی ، روانی ، احساساتی ، پلیسی ، حادثه ، تجربی ، روانکاوانه یا رمان جریان سیال ذهن ، تبلیغی ، مکاتبه ای ، عاشقانه ، گاتیک (یا دلهره آور) ، پیکارسک ، مستند ، محلی ، روستایی یا شبانی ، زمین ، رفتار و رسوم اجتماعی ، شخصیت و... (سلیمانی ، ۱۳۶۹ : ۲۳-۲۴).

از آنجا که پنج رمان مورد نظر (تهران مخوف ، شهرناز ، روزگار سیاه، اسرار شب ، نادره) جزو رمان های اجتماعی به شمار می آیند ، بنابراین به تعریف مفهوم «رمان اجتماعی» می پردازیم.

۱-۶- رمان اجتماعی:

رمان اجتماعی «اغلب بانیت ارشادی و یا احتمالاً به منظور ایجاد تغییرات بنیادی در جامعه نوشته می شود . بنابراین رمان نویس سعی می کند مردم را متوجه کمبودها و نقایص جامعه بکند و نظریه ای را به عنوان راه حل مشکلی از مشکلات اجتماع مطرح کرده ، به طریقی درباره ی آن بحث کند. البته باید دانست که رمان اجتماعی به هیچ وجه همیشه رمان عقیدتی یا تبلیغی نیست « (همان : ۲۴-۲۵).